

# پناهگاه

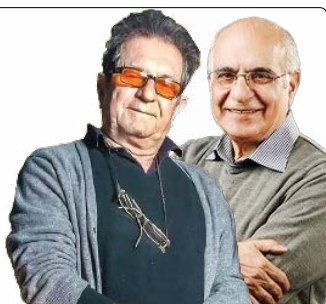
در گفت‌وگو با مهندس حمیدرضا هلالی، عکاس، پژوهشگر و مدرس انجمن سینمای جوانان ایران مطرح شد

## کاروانسراها جلوه‌گاه تمدن ایرانی

صفحه ۸

### بلا تکلیفی سیمرغ اقتباس در جشنواره فیلم فجر

در این گزارش علل غیبت یکی از سیمرغ‌های مهم جشنواره فجر در دوره‌های مختلف را بررسی کرده‌ایم



۱۰

### عشق رادیو بازنشستگی ندارد

با حسین ماکتعلی از تهیه‌کنندگان پیشکسوت رادیو خاطرات و برنامه‌های جذابش را مرور کردیم



۲۱

### مهیار عیار مدیون احمد جو است

دانیال نوروش از لذت مضاعفش در سریالی گفت که یادآور «روزی روزگاری» بود



۶۱

#### زاویه دید

## چشم‌هایی در حسرت وطن

شرح حال خودنوشت آوارگان فلسطینی در لبنان را مرور کرده‌ایم



حبیب یوسف‌زاده نویسنده

نصیب نگارنده این یادداشت شد، به فارسی برگردانده و در نهایت کتاب فعلی متولد شد.

#### آوارگی و حسرت بی وطنی

باید اضافه کنم که اگرچه نویسنده‌ها بعضاً آماتور هستند اما چون زیر نظر یک استاد پیش رفته‌اند، مجموعه روایت‌ها، به یک روایت جذاب و خواندنی تبدیل شده است و هرکدام از روایان مصائب و مشکلات خودشان را از زاویه نگاه خود بر زبان قلم جاری کرده‌اند. یکی به طور مثال به دیوار نوشته‌های اردوگاه‌ها پرداخته و نوشته‌اش به نثر ادبی نزدیک شده است. دیگری به خاطرات بمباران اردوگاه‌ها توسط اسرائیل پرداخته است. دیگری به سختی‌های زندگی در اردوگاه‌های آوارگان پرداخته است و از مرارت‌ها و مشقت‌های بی‌پایان در زندگی وطن است به گونه‌ای که اشخاص دور از سرزمین خود، این حسرت را دارند که روزی به وطن خود بازگردند و حتی پیرترها تقاضای مشترک‌شان این است که اگر دنیا را ترک کردند، حتما در خاکی که متعلق به آن است، دفن شوند و این واقعا حسرتی است که در دل همه اینها موج می‌زند و واقعا خواننده کتاب را به شدت متاثر می‌کند و شاید یک تلنگری برای همه ما باشد که قدر وطن را بدانیم.

در پایان این یادداشت کوتاه بریده‌ای از کتاب «یازده زندگی را تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنم؛ حکایت یک فلسطینی واقعا مضحک است. اگر فلسطینی هستی، نمی‌توانی در فلسطین زندگی کنی اما اگر تابعیت غریبی می‌گیری، می‌توانی ولی همیشه این سؤال باقی است که می‌خواهی همچنان فلسطینی بمانی یا نه؟ البته چنین چیزی در اسناد هویت شما قید نمی‌شود اما آخرین عامل، جنون من است. آیا اوراق شناسایی خارجی می‌تواند مرا از آرمانم دور کند؟»



روزگار سپری شده» از سالم یاسین، «هنوز نمرده‌ام» از میرا صیداوی، «غرغره‌های یک آواره» از طه یونس، «از وقتی مادر شدم از زمستان منفرم» از نادیه فهد، «گورستان دعوق» از یوسف نعنن، «طلمس چله‌ی زمستان» از یافا طلال المصری، «حنین یعنی اشتیاق» از حنین محمد رشید، «قلم از درخت توت آویزان است» از وداد طه، «خدیجه، مادر مادرم» از انتصار حجاج، «رویا ادامه دارد» از ربا رخمه و «یک مهاجرت و دو تبعید» از محمود محمد زیدان ادامه پیدا می‌کند.

در حقیقت داستان کتاب این‌گونه است که این ۱۱ نویسنده از طریق فراخوان آزاد برای شرکت در کارگاه نویسندگی خلق، زیر نظر نویسنده شهیر لبنانی، حسن داود، انتخاب شدند. یک کارگاه نویسندگی خلق با عنوان «فلسطینی‌های در تبعید» که در مؤسسه مطالعات فلسطین و با حمایت بنیاد قطان فلسطین و مشارکت صندوق پرنس کلاوس هلند برگزار شد و حاصل آن کتابی شد و خواندن آن می‌تواند ما را در زمانه‌ای که ظلم‌های مضاعفی علیه فلسطین و مردم مظلوم آن صورت می‌گیرد، خواندنی باشد. در این کارگاه ۱۲ جلسه‌ای که سال ۲۰۱۶ برگزار شد، پناهندگان فلسطینی در لبنان، با راهنمایی یک مربی مجرب، بخش‌هایی از زندگی خود را به زبان عربی روایت کردند تا در نهایت یازده زندگی شکل بگیرد.

متن‌ها همه به زبان عربی نوشته شده بود که با کوشش محمدعلی خالدی به زبان انگلیسی برگردانده، ویرایش، تنظیم و در سال ۲۰۱۲ میلادی منتشر شد. نهایتاً با ترجمه‌ای که توفیق آن

زندگی تا زمانی که روال عادی و معمول خود را طی می‌کند، شاید فراز و فرودهایی را که یک آوارگی می‌تواند به آن تحویل کند، نشان ندهد اما زمانی که فردی از خانه و کاشانه خود آواره می‌شود، حتی اگر در همان نزدیکی‌ها هم باشد، انگار از هویت خود جدا شده و به سرزمینی پرتاب شده که هیچ‌گاه در آن احساس آرامش و راحتی ندارد، به خصوص اگر این آوارگی دهه‌های متوالی ادامه داشته و با سختی‌هایی مانند بیکاری، خشونت، بمباران و آوارگی‌های متعدد و مستمر همراه باشد. متأسفانه این داستان قصه‌ای است که برای آوارگان فلسطین، غزه و آن سامان اصلا ناآشنا نیست. قصه‌ای که گاه تبدیل به روایت‌هایی در قالب کتاب شده و کتاب «یازده زندگی» یکی از این کتاب‌هاست.

در حقیقت کتاب «یازده زندگی» روایت‌هایی از بود و باش آوارگان فلسطینی در لبنان» است که به کوشش محمدعلی خالدی، با مقدمه‌ای از پرلا عیسی و ترجمه‌ای که انجام آن نصیب من شده در انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است.

۱۱ روایت از زندگی ۱۱ آواره فلسطینی در لبنان که هرکدام زندگی، داستان و عقیده‌ای متفاوت را بازگو می‌کنند و از زندگی، عشق، حسرت و ناکامی خود گفته‌اند. برخی روایت‌ها اعتراف‌گونه، برخی رسمی، برخی روایی و برخی دیگر خیال‌انگیزند که کنار هم چشم مخاطب را به ابعاد مختلف «زندگی در تبعید فلسطینی‌ها» باز می‌کنند.

کتاب یازده زندگی، با مقدمه پرلا عیسی با عنوان «روایت زندگی در آوارگی» آغاز می‌شود و با عناوین «دیوارنگاره‌هایی از

### طعم شیرین سینمای پر تماشاگر را گس نکند!

شود. در حالی‌که از قدیم بین اهالی کتاب چنین مطرح بود که شروع به مطالعه با کتاب‌های سبک، بازاری و سرگرم‌کننده نه تنها نباید مذموم شمرده شود که برعکس می‌بایستی مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد، چراکه نسل جدی کتابخوان از بین همین گروه تشکیل می‌شود، موردی که درباره تماشاگران فیلم‌های کم‌دی نازل نیز صادق است و چنانچه سینمایی پر تماشاگر داشته باشیم، بی‌شک سهم فیلم‌های جدی نیز روزافزون خواهد شد. بنابراین با ضرب‌وزن و روتوین مشکل حل نخواهد شد.

شک نکند با حذف فیلم‌های کم‌دی از صحنه و تمام گیشه را در اختیار فیلم‌های تلخ و عبوس گذاشتن، کلاً به سمت «فید» تماشاگران انبوه حرکت خواهیم کرد.

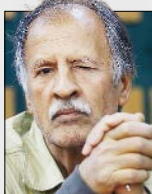
نکته بارز و برجسته این‌که جریان فیلم‌های کم‌دی متکی به خود است و بار اقتصادی برای دولت و بیت‌المال ندارد و حتی به‌لحاظ مالی یاری‌دهنده است اما فیلم‌های موسوم به اجتماعی که فقط در کشور ما این جعل وجود دارد، بوده‌خور است. میلیاردی‌ها پول مصوب برای تأمین برآوردهای کلان فیلم‌هایی که غالباً در نزد تماشاگر و جاهتی کسب نمی‌کنند، دقیقاً و تحقیقاتی شباه استراتژیک است.

واقعیت قضیه این است که مردم فیلم خوب و باحال می‌خواهند. تماشاگران انبوه سینما دنبال فیلم‌هایی هستند که وقتی از سالن خارج می‌شوند حالشان بهتر شده باشد، لذا فرقی نمی‌کند که این فیلم‌ها کم‌دی باشند یا ترازیک، مهم این است که فیلم به آنها بچسبد. از آنجا که فیلم‌های طنز و کم‌دی معمولاً به جنس سینما نزدیک‌ترند مورد وثوق مخاطبان قرار می‌گیرند، درحالی‌که فیلم‌های غیرکم‌دی مرسوم و موسوم به اجتماعی به‌نمایش درآمده در دو دهه اخیر، نه تنها به جنس سینما (که در درجه اول مفرح‌بودن و سرگرم‌کنندگی است) نزدیک نبوده بلکه برعکس به دلیل ترسیم فضایی تیره و نار از کشور و شعاری بودن و صدور مانیفست‌های سیاسی-اقتصادی حزبی و گروهی چیزی جز دافعه برای تماشاگر نداشته‌اند، پس چه بهتر که طعم شیرین سینمای پر تماشاگر را گس نکنیم و سعی وافر به خرج دهیم تا فیلم‌های جدی با مولفه‌های تماشاگرپسند و جذاب ساخته شده و به نمایش درآیند.

یکی از رویکردهای غلط و عقب‌افتاده چندماه گذشته، تبلیغات منفی و مقابله همه‌جانبه با فروش فیلم‌های کم‌دی و کلاً تحقیر و نفی گیشه داغ سینماها بوده و هست. در این‌که اغلب فیلم‌های

تحت عنوان کم‌دی، آثاری نازل و بعضاً سخیف هستند شکی نیست، ولی راه تصحیح یا رشد و ارتقای هنری این جریان، مذموم شماری کلیت تولیدات کم‌دی نیست، بلکه بهترین راهکار تقویت مضمونی-فرمی این آثار و نقد و تحلیل آنهاست. تا وقتی که جریان معروف به کم‌دی‌های سطحی روی میز نقد قرار نگیرند، اتفاق مهمی رخ نخواهد داد. ایجاد سد در مسیر حیات فیلم‌های سرگرمی‌ساز صرف یا متوسل شدن به انواع ترفندها و تمهیدات تبلیغی و حمایت‌زدایی از آنها راه به جایی نخواهد برد. حمله به فیلم‌های کم‌دی طی دوره اخیر مدیریتتی، یادآور سیاست‌های سینمایی ضد تماشاگر دهه ۶۰ است. رتبه‌بندی فیلم‌ها به درجه‌های مختلف «الف» تا «ج» باعث و بانی انزوا و کلاز دور خارج کردن تولید فیلم‌های اکشن-حادثه‌ای و قهرمانانه بود. روند پرفشار علیه فیلم‌های پر تماشاگر آن دوره، نتیجه‌اش رشد فیلم‌های گلخانه‌ای و متعاقباً قهر تماشاگر از سالن‌ها شد. از آن پس، عنوان فیلم‌های «جیم» نوعی تحقیر و توهین محسوب می‌شد تا حدی که خود فیلمسازان دیگر حاضر نمی‌شدند به سمت ساخت فیلم‌های ماجراجویی نزدیک شوند، گونه‌ای از سینما که در جهان طرفداران زیادی دارد و اساساً عامل توسعه صنعت سینما در بخش‌های فنی-تکنیکی و شکل‌گیری خیل نیروهای بدلکار و اکشن‌کار می‌شود، در کشور ما با انگشت اتهام از سید مصطفی جوانان و ایضاً خانواده‌ها خارج شد.

خصوصاً که حذف فیلم‌های به اصطلاح جیم با توجیه توهین‌آمیز مناسب شهرستانی‌ها بودن، مورد تاخت و تاز مدیریت وقت قرار گرفت. حال‌اطی دوره اخیر همین بلارابر سر فیلم‌های کم‌دی آورده و دارند عرصه را بر انسان تنگ می‌کنند. آن‌هم با آدرس غلط دادن، به این شکل که فیلم‌های کم‌دی باعث شده‌اند تا جای فیلم‌های اجتماعی تنگ



محمدتقی فہیم منتقد سینما